



گفت و گو با محمد علی معدلی، ورزشکاری که سال هاست
یک گروه ورزشی آمادگی جسمانی را در سنین مختلف اداره می کند

۵۴

معدلی بیست تیم ۱۸ ساله



عکس: محمد حسن صلاواتی/شهرآرا

با محمدرضا دهقان پور خاطرات دوران نوجوانی اش
را در محله راهنمایی مرور کردیم
دویدن با کاغذباده‌ها

۶

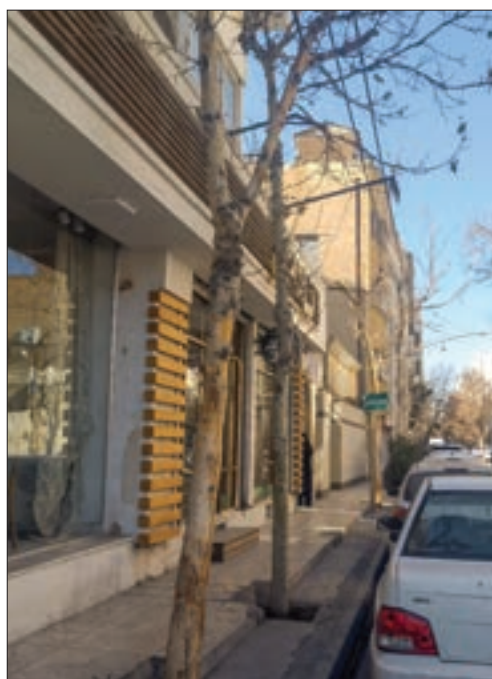


گزارشی از مشکلات زمین رهاشده در محله شهرک
حجت (عج) که کاربری فضای سبز دارد
احداث بوستان محلی، نزدیک اما دور

۳

یادی از سید علی بامشکی
پیشکسوت کشتی خراسان رضوی که پیش از این
در شهرآرا محله با او گفت و گو کردیم
پهلوانان نمی میرند

۷



ساکنان کوچه فلسطین ۱۴ حدود یک سال است خواستار قطع ۲ اصله درخت خشک هستند

تنه‌های لرزان در مسیر عابران

صدرا تنه قطور و تنومندی ندارند که نشان دهد ریشه‌هایشان تا عمق زمین نفوذ کرده است. به گفته ساکنان خیابان فلسطین ۱۴ دو اصله درخت از تابستان امسال خشک و بی برگ و بار شدند.

مرداد ماه هم اعضای شورای اجتماعی محله فلسطین در جلسه این شورا به خشکی درختان و نگرانی ساکنان از سقوط آن‌ها اشاره کردند و از معاونت فرهنگی و اجتماعی شهرداری منطقه خواستند برای قطع آن‌ها در این محدوده اقدام شود، اما پیگیری‌ها هنوز بی پاسخ مانده است.



● ○ مصوبه‌ای که اجرا نشد

مهدی مهدی زاده، ساکن قدیمی و رئیس شورای اجتماعی محله فلسطین، درختان را نشانمان می‌دهد و می‌گوید: حتما باید اتفاقی بیفتد تا شهرداری دست به اقدامی بزند؟ در این چند سال اخیر، بارها در خبرها خواندیم که درختان خشک زمان طوفان و بادهای شدید یا خودشان یا شاخه‌هایشان شکسته است و سقوط کرده و روی خودروهای پارک شده افتاده‌اند. این اتفاقات تا امروز فقط خسارت مالی داشته است، ولی اگر به فکر نباشیم، می‌تواند خسارت جانی هم به بار آورد. درختان سرسبز و قدیمی مثل توت که در زمین ریشه دارند، در زمستان با بادهای شدید شاخه‌هایشان می‌شکنند؛ چه برسد به این درختان که از تابستان سال گذشته خشک شدند. به گفته او بارها در جلسات مختلف به مسئولان درباره این مشکل اطلاع داده‌اند و قطع و رسیدگی به این درختان جزو مصوبات شورای اجتماعی محله نیز بوده، اما تا به امروز شهرداری کاری نکرده است و این درختان همچنان باعث نگرانی کسبه و ساکنان هستند.

● ○ خطر در کمین دانش‌آموزان

معصومه حسن زاده، یکی از ساکنان این کوچه، به خودروهای پارک شده

زیر درختان اشاره می‌کند و توضیح می‌دهد: بعضی از درختان کوچه‌های محله فلسطین مثل همین دو درخت عمر زیادی ندارند، باین حال به خاطر بارش‌های کم در سال‌های اخیر رو به خشک شدن هستند. باید فکری به حال آب‌رسانی آن‌ها انجام داد، در غیر این صورت شهرداری مجبور می‌شود بیشتر آن‌ها را قطع کند.

او توضیح می‌دهد که بولوار فلسطین به خاطر مغازه‌های تجاری، پررفت و آمد است و علاوه بر ساکنان، شهروندان بسیاری روزانه برای خرید به آن مراجعه می‌کنند؛ «ما شاهدیم که همه خودروهایشان را در کوچه‌ها پارک می‌کنند. احتمال اینکه این درختان روی خودروها بیفتد، زیاد است. باید قبل از وقوع اتفاق به فکر راه حل آن بود.»

صنم علیزاده از ساکنان فلسطین ۱۵ است. دبستان پسرانه شهید حسینیان را که او واسطه کوچه قرار دارد، نشانمان می‌دهد و می‌گوید: پسر من در این مدرسه درس می‌خواند. سال گذشته همراه تعدادی از والدین از اینجا می‌گذشتیم که خشک شدن این دو اصله درخت توجهمان را جلب کرد. حادثه خبر نمی‌کند. اگر شاخه یا تنه این درختان بر اثر باد و طوفان روی فرزندانشان بیفتد، چه کسی پاسخ‌گوست؟ در این مدت همراه والدین، موضوع را از طریق اعضای شورای اجتماعی محله پیگیری کردیم، اما علی‌رغم پیگیری‌های زیاد هنوز خبری از قطع یا رفع خطر این درختان نیست.

● ○ اقدامات لازم بعد از بازدید و بررسی

رئیس اداره فضای سبز شهرداری منطقه به شناسایی درختان خشک و خطرناک منطقه در تابستان اشاره می‌کند و می‌گوید: هرس و قطع درختان خشک در این مدت انجام شده است. درختانی که هنوز قطع نشده‌اند، علل مختلفی دارد. درختانی که مشکوک به خسارت هستند، یعنی کسی به آن‌ها صدمه زده است یا کاری انجام داده تا درخت خشک شود، منتظر رأی کمیسیون ماده ۷ هستند.

به گفته مرتضی دوا می در صورتی که کسی به درختان خسارت وارد کرده باشد، باید جرمه‌اش را پرداخت کند. دلیل دیگری که ممکن است درختی قطع نشده باشد، این است که نیمه جان است و باید تیمار و نگهداری شود. او می‌گوید: کارشناسان اداره راه محل مورد نظر می‌فرستیم تا بعد از بازدید و بررسی، اقدامات لازم انجام شود.

مرتضی دوا می همچنین از شهروندان می‌خواهد با مراجعه به سامانه جامع فضای سبز شهرداری مشهد به نشانی (<https://gsms.mashhad.ir>) یا تماس با ۱۳۷ مشکلات درختان محل زندگی‌شان را اطلاع دهند تا بعد از بازدید توسط کارشناسان، اقدامات لازم برای درختان انجام شود.



شهرداری منطقه یک در فصل سرما از ۱۲۱۹ درخت مراقبت می‌کند

درختان کهن سال

زینت معابر

صفائی | شهردار منطقه یک، از پوشش هزار و ۱۲۹ اصله درخت با استفاده از خمیر بردو در منطقه یک خبر داد و گفت: حفظ و نگهداری از انبوه درختان شهری، یکی از اولویت‌های مهم فضای سبز برای مناسب سازی چهره شهر است و باتوجه به اینکه بیشترین تعداد درختان کهن سال در منطقه یک شهری قرار دارد، حفاظت از این نوع درختان، اقدامی مضاعف و دشوارتر از روال معمول است.

محمود برهانی ادامه داد: با شروع فصل زمستان برای جلوگیری از آسیب سرمای درختان، ترک و شکاف‌های موجود در تنه آن‌ها تا ارتفاع معینی با خمیر بردو پوشش و رنگ آمیزی می‌شود.

خمیر بردو، محلولی از ترکیب آب، آهک، سولفات مس و سریش است که به منظور کنترل عوامل قارچی و باکتریایی و جلوگیری از گسترش آفات و کمک به عمر زیستی درختان روی تنه درختان کشیده می‌شود. انجام این اقدامات بسیار اهمیت دارد؛ زیرا در صورت کنترل نکردن آن باعث زوال و نابودی درختان می‌شود.

تأمین امنیت مردم با خط‌کشی خیابان‌ها

شهردار منطقه یک از انجام عملیات خط‌کشی و رنگ آمیزی سرعت گیرهای آسفالتی در این منطقه خبر داد. محمود برهانی با اشاره به اینکه این پروژه در راستای افزایش ایمنی عابران پیاده و سامان دهی شبکه معابر در دست اجراست، گفت: از ابتدای آبان، خط‌کشی و رنگ آمیزی معابر شامل رنگ آمیزی ایستگاه پارک معلولان، سرعت کاه و عابر پیاده مقابل ساختمان وزارت امور خارجه، رنگ آمیزی خطوط ایست و کانال چهارراه‌های بولوار بعثت و... انجام شده است.

وی افزود: باتوجه به اجرای نهضت آسفالت در منطقه و لزوم رنگ آمیزی معابر به منظور افزایش ضریب ایمنی رانندگان و عابران پیاده، در صورت مساعد بودن شرایط جوی (دمای بالای ۵ درجه)، تا پایان سال، معابری که نیاز دارند، خط‌کشی و رنگ آمیزی خواهد شد.



آغاز یک پروژه برای کاهش هدررفت آب

معاون فنی و اجرایی شهرداری منطقه یک، از شروع حفاری و لوله‌گذاری پروژه احداث سیستم آبیاری مکانیزه خیابان بهشت و ابو مسلم در این منطقه خبر داد. سید علی اکبر انتظام افزود: این اقدام در راستای حذف تانکرهای آبیاری، کاهش تصادفات، حذف آلودگی صوتی، کاهش هدررفت آب و حذف سوخت‌های فسیلی به همت همکاران اداره فضای سبز این منطقه در حال اجراست.

وی ادامه داد: حفاری و لوله‌گذاری این پروژه به طول ۱۵۰۰ متر، در خیابان بهشت و ابو مسلم آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود تا سه ماه آینده به بهره‌برداری برسد.



گزارشی از مشکلات زمین رها شده
در محله شهرک حجت (عج)
که کاربری فضای سبز دارد

احداث بوستان محلی نزدیک اما دور

حسین برادران فراتنها زمین بزرگ رها شده در محله حجت است و از شهید درودی ۱۹ به موازات خیابان اصلی محله تا شهید درودی ۲۱ ادامه دارد. با وجود بلوکه‌هایی که در اطراف این زمین رها شده چیده شده، اهالی معتقدند که مشکلات و دردسرهای آن تمام نشده است.

هم قدم

۲

● مزاحمت خودروهای پارک شده

خودروهای پارک شده در محوطه این زمین، بخشی از مشکلات هستند. این سخنان همسایه ساکن مجتمع مسکونی کنار زمین است. او می‌گوید: هرشب رانندگان خودروهای مختلف از قبیل مینی بوس، کامیون ونیسان، ماشین خود را اینجا پارک می‌کنند. صبح روز بعد که به دنبال ماشینشان می‌آیند، قبل از حرکت برای گرم کردن، ماشین را دقایقی روشن نگه می‌دارند. در جا کار کردن موتور، صدای ناهنجاری تولید می‌کند و خواب و راحتی را از همه ما گرفته است. هر چه هم اعتراض کردیم، فایده‌ای نداشت.

جواد موسوی در ادامه با نشان دادن بلوک‌های سیمانی چیده شده در حاشیه زمین می‌افزاید: بعد از کلی رفتن و آمدن و اعتراض، شهرداری برای جلوگیری از ورود و مزاحمت خودروها این بلوک‌ها را گذاشت. اما باز هم فایده‌ای نداشت و راننده‌ها ماشین‌های خود را از محل‌های خالی از بلوکه به داخل زمین می‌آورند و مزاحمت خودروها همچنان وجود دارد.

● ترس از ناامنی

یکی دیگر از موارد مشکل ساز که سبب ناامنی در این زمین شده، حضور معتادان کارتن خواب، اراذل و اوباش است. یکی از مغازه‌داران روبه‌روی زمین می‌گوید: با تاریک شدن هوا سروکله معتادان، مواد فروشان و اراذل و اوباش در این محوطه پیدا می‌شود. در هر گوشه چند نفری نشسته‌اند و مشغول کشیدن مواد یا انجام کارهای خلاف دیگری هستند. با توجه به اینکه چند کوه‌فرعی به این زمین راه دارند و تردد ساکنان آن‌ها از داخل این زمین است، شاهد مواردی از زورگیری و مزاحمت برای این افراد بوده‌ایم.

محمد قنبری می‌افزاید: علاوه بر زورگیری تا حالا چند مورد درگیری

بین خود همین افراد اراذل و اوباش را شاهد بوده‌ایم که با حضور پلیس پایان یافته است. این اتفاقات سبب ترس زیاد اهالی شده است و جرئت تردد در این مسیر را ندارند.

● درخواست ساخت بوستان یافنس ورزشی

در این چند هزار متر زمین رها شده، به تازگی یک مغازه ساخته شده است. اهالی معتقدند وجود همین مغازه کوچک سبب دلگرمی و بازگشت امنیت به محل شده است.

یکی دیگر از همسایه‌ها مغازه‌رانشان می‌دهد و می‌گوید: اگر شهرداری اجازه ساخت و ساز بدهد و چند مغازه یا خانه دیگر در این مکان ساخته شود، با نصب چند تیر چراغ برق یا حتی لامپ خود مغازه فضای تاریک اطراف، روشن خواهد شد و اراذل و اوباش جرئت حضور در این محل را نخواهند داشت و مجبور به ترک خواهند شد.

علی قربانی با استناد به سخن برخی همسایه‌ها که این زمین را متعلق به شهرداری می‌دانند، می‌افزاید: در محله ما فضای سبز و بوستان محلی وجود ندارد. اگر این حرف درست باشد، شهرداری می‌تواند با ساخت یک بوستان محلی و نصب وسایل ورزشی در این زمین، تهدیدی را به یک فرصت تبدیل کند.

● زمین کاربری فضای سبز دارد

معاون فنی و اجرایی منطقه ۲ در پاسخ به گلایه‌ها و درخواست‌های مردم گفت: زمین مورد نظر با مساحت ۳ هزار متر مربع کاربری فضای سبز دارد و قرار بود پارک محلی در این مکان ساخته شود.

محسن قره‌خانی در ادامه افزود: در گذشته این زمین یک مالک داشته است که آن را به ۲۸ نفر فروخته است. مادر حال حاضر به دنبال شناسایی مالکان و تملک زمین هستیم و به محض اجرای آن و تصویب بودجه، بوستان محلی در زمین ساخته خواهد شد.

حذف نازیبایی‌ها از منطقه

به منظور بهبود سیمای منظر شهری در آذر سال جاری، ۴۵۶ تابلو غیر مجاز و بیش از هزار پرده تبلیغاتی و هزار و ۴۰۰ مورد نازیبایی شهری از سطح منطقه جمع شد. با توجه به نقش خودروهای فرسوده و موتورسیکلت‌ها در چهره شهر و همچنین افزایش آلودگی هوای شهر، سیزده خودرو فرسوده نیز از سوی واحد رفع سد معبر شناسایی شد.

مراقبت از درختان در مسیر پروژه‌های شهری

به دنبال اجرای پروژه‌های میدان شهید فهمیده و خیام، روتبال درختان و پرچین هادر لچکی‌های اطراف میدان شهید فهمیده و آیلند توس روی ۲۱۵ اصله درخت، ۲۹۲ درختچه و نیز ۱۴۰ متر پرچین اجرا شد. علاوه بر آن در میدان خیام و لچکی‌های اطراف آن ۱۳۹۳ اصله درخت، ۲۹۰ درختچه و ۹۰۰ متر پرچین به روش روتبال جابه‌جا شد.

حضور غیر مجازها، ممنوع!

ماه گذشته ۳۴ انبار غیر مجاز و مرکز انباشت و جمع‌آوری ضایعات در محدوده شهرداری منطقه ۲ پلمب و ۵۶ کیلوگرم ضایعات از منطقه جمع شد. علاوه بر آن از فعالیت غیر مجاز ۷۵ دست فروش، ۱۳۴ گاری حمل ضایعات و بیش از هزار و ۲۰۰ مورد حمل ضایعات پیشگیری شد.

شهر خبر

۲

معاون دادستان عمومی و انقلاب خراسان رضوی درباره پروژه‌های منطقه ۲ گفت:

کاربرد، براساس نیاز مردم

صفائی‌انشت مشترک معاون دادستان عمومی و انقلاب خراسان رضوی، معاون شهرسازی دفتر فنی استانداری و نیز شهردار و معاون شهرسازی منطقه ۲ درباره روند پیشرفت پروژه‌های عمرانی این منطقه برگزار شد. معاون دادستان عمومی و انقلاب خراسان رضوی در این نشست گفت: یکی از مشکلات منطقه ۲ ساخت و سازهای غیر مجاز است و ناایمن بودن خانه‌ها و نبود پارکینگ، مشکلات بسیاری برای ساکنان و مدیریت شهری به همراه دارد. اما در کنار این مشکلات، وصول نشدن هزینه‌های شهرسازی، پیامد ناخوشایند این اتفاق است. یکی از ویژگی‌های پروژه‌های منطقه ۲ کاربردی بودن آن‌ها بر اساس نیاز مردم محله است. اسماعیل رحمانی با تأکید بر این موضوع افزود: سالن مطالعه، نیاز جوانان و نوجوانان است که در حاشیه شهر کمتر به آن توجه شده است. سالن انتهایی توس ۸۱ فقط می‌تواند تاحدودی نیاز مردم این محدوده را رفع کند.

او درباره احداث شش سوله «سرای سبزی‌زندی» در این منطقه گفت: مزیت این کارگاه‌ها این است که علاوه بر نگهداری و درمان معتادان متجاهر، موضوع آموزش و اشتغال را هم در نظر گرفته است. در این مجموعه، طبق ریزی‌های انجام شده، معتادان بعد از دو ماه درمان آموزش می‌بینند و به درآمدزایی می‌رسند.



نگهداشتن یک گروه ورزشی آمادگی جسمانی است؛ تیمی که حالا دیگر هجده سال است روزهای زوج، در سالن مرحوم علی باغبان باشی زیر نظر او ورزش می کنند.

یک جمع ورزشی که تمام رده های سنی در آن شرکت می کنند، چطور ماندگار می شود؟ مدیریت ورزشی چطور می تواند مردم را به ورزش مداوم و مستمر ترغیب کند؟ مربی ورزشی خوب باید چه شاخصه هایی داشته باشد؟ با محمد علی معدلی درباره این سؤال ها و باقی مسائل مربوط به مدیریت کلان ورزشی در شهر گفت و گو کرده ایم.

حتما به یاد دارند و می شناسند. اواز بزرگان ورزش شهر است و معدلی پسر هم جا پای پدرش گذاشته، با این تفاوت که درس ورزش خوانده و مدرک تحصیلی اش، فوق لیسانس تربیت بدنی، گرایش رفتار حرکتی است. حالا سال ها تجربه پس فعالیت هایش وجود دارد. محمد علی در جوانی قبل از اینکه برای همیشه ورزش حرفه ای را ناخواسته کنار بگذارد، مدل آوارستانی و کشوری دوومیدانی بوده و قبل از اینکه مربی حرفه ای آمادگی جسمانی شود، دویدن تمام زندگی اش بوده است.

یکی از نقاط عطف زندگی ورزشی محمد علی سرپا

قاسم فتحی | محمد علی معدلی از دسته بچه هایی است که همیشه خدا چه توی مدرسه، چه توی مهمانی و چه هر جایی که فکرش را بکنید، لباس ورزشی تنشان بوده است و با این لباس بزرگ شده اند. آن هایی که یک جا بند نبودند و هزینه اش را هم داده اند؛ مثلا هیچ وقت بچه زرنگ هیچ کلاسی نبودند و از قافله درس خوان ها عقب افتاده اند و چه بسا سرگرفت خورده اند. معدلی اما تصمیمش را از همان نوجوانی گرفته بود. این تصمیم البته یک پشتوانه بزرگ و محکم داشت: پدر.

معدلی بزرگ را اهالی ورزش صبحگاهی و آن ها که دهه های ۶۰ و ۷۰ توی پارک «ملت» ورزش می کردند

گفت و گو با محمد علی معدلی، ورزشکاری که سال هاست یک گروه ورزشی آمادگی جسمانی را در سنین مختلف اداره می کند

معدل بیست تیم ۱۸ ساله



جلال رفیق، جلال مربی

معدلی در «احمدآباد» به دنیا آمده ولی حالا توی «فرامرز عباسی» می نشیند. از دوران راهنمایی درگیر تمرین بوده و عضو تیم ملی دوومیدانی و این یعنی او نمی توانست درست و حسابی به درسش برسد. درس خواندن این طور موقع ها فقط سخت نیست، عذاب آور است. آدم نمی داند باید کدام یکی را انتخاب کند و کدام طرفی بایستد؛ در کل نمی توانستم درست حسابی درس بخوانم. متأسفانه آن دوره برنامه طوری پیش رفت که یک سال مردود شدم. برای همین مجبور شدم بروم مدرسه شبانه و دیپلمم را با هر سختی بود، گرفتم. از آن طرف، در مسابقات بین المللی پایم آسیب دیده بود. ورزش تخصصی من فقط دویدن بود. من دونه بودم و رشته اصلی ام همان رشته اصلی بابا بود؛ ۱۱۰ متر با مانع. بابا هم رشته اش ۱۱۰ و ۴۰۰ متر با مانع بود. بعد از آن، به این نتیجه رسیدم که با این آسیبی که برای پایم به وجود آمده، نمی توانم آن طوری که می خواهم ادامه بدهم. مجبور شدم بروم خدمت سربازی و باز آنجا چیزی که نجاتم داد، دویدن بود و ورزش.

سنگ بنای گروه ورزشی را که معدلی هجده سال است سرپرستی اش را برعهده دارد، یکی از مربیان خوش نام مشهدی می گذارد، هر چند حالا دیگر از این حوزه دور افتاده و مشغله های دیگری دارد. محمد علی اولین بار به عنوان دستیار فعالیتش را در کنار او آغاز می کند؛ «جلال مربی بدن ساز چند تیم ورزشی بود و خودش هم دونه بود و فکر می کنم می توانست مربی فوق العاده خوش نام و درجه یکی هم باشد اما دیگر ادامه نداد. سال ۸۵ یک گروه ورزشی آمادگی جسمانی شکل داد. همین گروهی که حالا هم فعالیتش ادامه دارد. بعید می دانم قبل از این، گروه منسجمی به این شکل در مشهد وجود داشته باشد. من بعد از خدمت برگشتم و رفاقتان پررنگ شد؛ البته قبل از رفتن به خدمت سربازی هم او را می شناختم و با هم دوست بودیم ولی این بار داستان رنگ دیگری گرفت.»

تو باید مستقل شوی!

معدلی از آنجابه عنوان کمک مربی کارش را شروع کرد و داشت به تصورات و برنامه های آینده اش کم کم شکل می داد اما از یک جایی به بعد، جلال تشر استادی اش را حواله او کرد؛ «جلال یک روز آمد پیش من و گفت علی! تو دیگر باید مستقل بشوی. این جوری نمی توانی پیشرفت کنی. راستش خیلی ناراحت شدم؛ یعنی بیشتر فکر می کردم خب حالا باید چه بکنم. از همان جاتا خانه مان پیاده آمدم. مدام فکر و خیال می کردم. فردایش رفتم هیئت دوومیدانی درخواست دادم تا یکی از شیفت های سالن کناری جلال را به من بدهند.»

سالن کوچک بدن سازی بود و محمد علی یکی از شیفت های دو ساعته آنجا را گرفت. هم زمان در شیفت جلال هم مشغول بود و فعالیت می کرد. شیفتش را به چهل نفر رساند و دوباره درخواست داد شیفت دیگری به او بدهند؛ «تقریباً وسط های سال ۸۷ سه تا شیفت ورزشی داشتم و فقط در حوزه آمادگی جسمانی کار می کردم. دوباره یک روز جلال آمد و گفت من می خواهم شیفتم را تحویل بدهم. تومی آبی به جای من آن را قبول کنی؟ نزدیک به شصت تا هفتاد نفر توی آن شیفت حضور داشتند. یکی از شلوغ ترین شیفت ها بود و جمعیت هم مدام بیشتر و بیشتر می شد. قبول کردم. این اولین بار بود که قرار شد تنهایی یک گروه بزرگ ورزشی را مدیریت کنم. اوایل خیلی استرس داشتم و از بابا هم کمک می گرفتم. بعد ها دیگر تادویست نفر هم می آمدند برای ورزش، تا اینکه کرونا آمد. روزی که فقط سه نفر آمده بودند برای ورزش، نزدیک بود گریه ام بگیرد.»





دعای خیر ورزشکاران همیشه همراهم است

محمد علی روی دعاها ی آن ها که مستمر و مرتب کنارش ورزش می کنند، خیلی حساب می کند. این دعاها قبل تر هم نثار پدرش می شد. پدری که عمرش را بی هیچ منتهی پای ورزش شهر گذاشت. معدلی کوچک، آن روزها خیلی خوب یادش مانده است: «من خیلی وابسته به بابا بودم. آن موقعی که بابا به اداره می رفت، بیشتر تابستان ها با او می رفتم به اداره تربیت بدنی. کارمند آنجا بود. یادم می آید یک دوره ای رئیس ورزشگاه «سجاد» بود. سنگ بنای آن مجموعه را بابا گذاشت. خشت به خشت دیوارچینی های آنجا را بابا گذاشت. شب مثل عمله ها با لباس خاکی برمی گشت خانه. تمام آن درخت های چنار توی محوطه مجموعه را بابا با کاشت و بعد مدیریت گروه های ورزش همگانی در پارک ملت را برعهده گرفت. دعا های مردم همیشه همراهش بود. الان برای من هم همین طور است. من یکی از جوان ترین اعضای گروه ورزشی خودم هستم و مخاطبان کلاس هم می آیند پیش من از بیماری ها و گرفتاری هایشان حرف می زنند ولی این کلاس باعث شده است دوباره جریان زندگی شان بهتر شود. حس خوبی پیدا کنند و دعا های شان به گوش من برسد. آدم بعدش متوجه می شود آن دعاها از کجا و چگونه به زندگی ات برمی گردد.»

یک چیز معدلی را اذیت می کند؛ اینکه چرا فعالان این حوزه، کسانی که عمرشان را پنهانی و مہجور، برای ورزش این شهر گذاشته اند همچنان گمنام اند و ناپیدا؛ «یک بار به پدرم گفتم ببین بابا! تو عمرت را، تمام داشته و نداشته خودت را، گذاشتی و آخر هیچ کس نیامد چیزی بگذارد کف دستت، در صورتی که به جرئت می توانم بگویم ورزش همگانی استان مدیونش است.»

او البته طعم دیده شدن را چشیده است. برایمان تعریف می کند که چطور در فضای مجازی توانسته نگاه ها را به سمت خودش جلب کند و تشویق شود؛ «پنج شش ماه پیش، خانم ندا مطلبی که یکی از مدیران کلان ورزش کشور است، یک ساعت آمد و تشویق کرد. کارم را در فضای مجازی دنبال کرده و از آنجا دیده بود مادر مشهد گروهی داریم و مستمر و مداوم داریم ورزش می کنیم. او هم گزارشی به مدیر بالادستی اش داده بود. آنجا راستش حس خوبی پیدا کردم. چقدر این توجه به آدم می چسبد. اینکه یک نفر که کارش همین است، متوجه می شود یکی دور از پایتخت چنین فعالیت می کند.»

سه دوره مسابقات استانی برگزار کردم. بخش شهرستان ها را فعال کرده و دنبال برنامه ریزی بودیم. اینکه چه بکنیم، چطور برای مسابقات کشوری تیم اعزام کنیم و... ولی به دلیل بی درایتی مسئولان استعفا می دادم.»

محمد علی می گوید که دیگر رمقی برای آدم نمی ماند. برای همین بعد از مدتی، امثال او خودشان را می کشند کنار. به اعتقاد او اینکه مدیری را بیاورند که بیشتر از دانش ورزشی، تاجر باشد و بیشتر دنبال کارهای خودش را بگیرد، یعنی ضعف. یعنی از بین بردن سرمایه های ورزشی شهر. می گوید: هیچ کس نیست کارهای هیئت آمادگی جسمانی را انجام بدهد و همه کارها افتاده روی دوش روابط عمومی هیئت، وقتی مدیری خودش ورزشی نیست، لااقل اختیاراتش و سیاست گذاری ها و تصمیم ها را بسپارد به کسی که خودش این کاره باشد. آخر چرا باید هربار که می خواهی رئیس هیئت را ببینی، بفهمی رفته خارج از کشور. این دیگر چه مدل مدیریت است! این حرف ها را از سر دلسوزی می گویم. خیلی ها مثل من می خواهند ورزش این استان سر بلند شود.

تهدیدش می کردند که به معدلی می گویم!

هر آدمی در هر سطحی و در هر پیشه ای، دلش می خواهد کارش دیده شود یا دست کم حس کند عده ای او را می بینند و برای آنچه انجام می دهد، احترام قائل باشند. معدلی به مدیریت ورزشی شهرش در این سال ها به خصوص در هیئت دوومیدانی و آمادگی جسمانی نمره مناسبی نمی دهد. گله مند است و با دلسوزی تمام اشاره می کند که مدت ها است امثال او در حسرت یک نظم مدیریتی مدون هستند اما کج سلیقه همه چیز را در ورزش استان به حاشیه رانده است؛ «آدم بالاخره به این چیزها فکر می کند. من دارم این همه سال در این شهر و بدون هیچ چشمداشتی کار می کنم ولی هیچ کدام از رؤسای هیئت دوومیدانی، ورزش های همگانی و آمادگی جسمانی استان بعد از هجده سال نیامدند ببینند توی سالی که متعلق به آن ها است، چه اتفاقی دارد می افتد و چه کسانی چه کارهایی می کنند. ببینند اینجا سرکشی کنند و به بچه ها خدا قوت بگویند، حرف های شان را بشنوند. من خودم الان مسئول کمیته آمادگی جسمانی استان هستم. سال ۹۴ این کمیته را احیا و

باموی سیاه شروع کردند و باموی سفید ادامه می دهند

محمد علی هجده سال است که برای هر جلسه این گروه ورزشی، محتوای آموزشی در فضای مجازی تولید می کند و وقت می گذارد. از او می پرسیم بیشتر چه کسانی می آیند و چه خواسته ای دارند؛ «از تمام اقشار می آیند. از مدیران اقتصادی استان یا قاضی و وکیل و مدیرکل و افرادی که کار سیاسی و فرهنگی و اجتماعی انجام می دهند. همه شان برای اینکه برنامه روزانه داشته باشند و ورزش را برای سلامتی دنبال می کنند، اینجا می آیند. متوجه می شوم همین که در هفته سه شب می آیند، چقدر تغییر می کنند. کسانی در کلاس هستند که وقتی آمدند موهای شان سیاه بود ولی حالا سفید شده است. بچه های شان را داماد کرده اند و من را هم برای مراسم دامادی دعوت می کنند؛ مثلاً کسی را داریم که بعد از اینکه خودش آمد، ۱۰ نفر دیگر از محیط کارش را آورد برای ورزش. یا خانواده ای که گروهی می آیند. می گفتند توی دوره می های خانوادگی شان اگر می دیدند کسی دارد ناپرهیزی می کند و غذا زیاد می خورد،

دویدن به من یاد داد که باید مستمر تلاش کنی

رشته های انفرادی تنهایی عجیبی دارند. به ظاهر و مانند فوتبال، هیچانی درش نیست. تماشاگری وجود ندارد که تشویق کند. باید تک و تنها تمرین کنی، تک و تنها پیروز شوی و بدتر اینکه، باید تک و تنها شکست بخوری. از معدلی می پرسیم: دویدن و مدام دویدن چه هیچانی دارد؟ در این سال ها، چه درسی از آن گرفته ای؛ «دویدن به من یاد داد باید تلاش ادامه دار باشد تا به هدفت برسی. اگر چند لحظه بدوی و دوباره بایستی، فایده ای ندارد. ورزش دورشته ای است که در آن باید بازمان رقابت کنی، نه رقیب کنار دستی ات. رقیب تو زمان است؛ یعنی تو باید اول رکورد های شخصی خودت را بشکنی و این کار را ادامه بدهی. این یعنی پیشرفت در این ورزش.» معدلی و فعالیت های این سال هایش، نقطه روشن خیلی ها بوده است؛ آن ها که برای ساعتی دنبال آرامش بوده اند و ساکت کردن نشخوارهای ذهنی شان، آن ها که فعالیت های شان انگار هیچ وقت تمامی نداشته است و یک لحظه آرام نمی گرفته اند اما توانسته اند با دویدن و ورزش رها شوند و به خودشان برگردند. به خودشان فکر کنند، به جسمی که فراموش شده و حالا دارد دوباره جان می گیرد. معدلی یک برنامه دیگر هم دارد. اینکه خودش را برای سال های سال روی پانگه دارد و سرزنده. اینکه بتواند باز هم با عده ای ساعتی را ورزش کند؛ «من باید از همین الان انرژی ام را مدیریت کنم. چرا؟ برای اینکه ۱۰ سال آینده را هم بتوانم با همین کیفیت کار کنم. ورزش کنم و کلاس هایم را داشته باشم. باید حواسم را جمع تغذیه ام کنم و مراقب خودم باشم.»



با محمدرضا دهقان پور خاطرات دوران نوجوانی اش را در محله راهنمایی مرور کردیم

دویدن با کاغذبادها



محله گردی

ایستگاه
اول

میترا صدرا ۴۹ سال است که در خیابان راهنمایی ۱۲ زندگی می کند و کسب و کارش هم در همین خیابان است. محمدرضا دهقان پور و خانواده اش از ساکنان قدیمی محله راهنمایی هستند. پدرش سال ۱۳۴۵ قطعه زمینی می خرد و در آن خانه می سازد. آن زمان اینجا به قلعه احمد آباد معروف بوده است و مردم در آن گندم می کاشتند. محمدرضا خاطرات زیادی از محله و کوچه خودشان دارد که بخشی از آن ها را برایمان مرور می کند.



یکی از سرگرمی های من و هم سن و سالانم در نه سالگی این بود که کاغذ باد درست کنیم. بعد آن ها را بالای سقف اولین خانه کوچه می بردیم. آن زمان، خانه ها یک طبقه بود و سقف کاغذی داشت. روی سقف ها می دویدیم تا باد بادک هایمان به آسمان برود.

ایستگاه
دوم

خانه قدیمی ابتدای کوچه در سمت چپ، هنوز به همان شکل باقی مانده است. این خانه، سگ بسیار بزرگی داشت که همه بچه های محله از آن می ترسیدند. یک بار فوتبال بازی می کردیم و توپ با ضرب پای من به حیاط این خانه رفت. باکلی ترس به در خانه رفتیم؛ اما سگ توپمان را پاره کرده بود.



ایستگاه
سوم

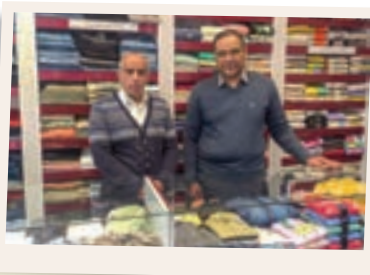
ایستگاه
چهارم

آقای مهدی انصاری ابتدای کوچه مغازه آبمیوه فروشی داشت. تابستان که می شد، پدر ما پسر ها را به سرکاری فرستاد. در یکی از همین تابستان ها پدر، من را به مغازه آقای مهدی برد و گفت کمک دستش باشم. آقای مهدی گفت سبدهای توت فرنگی را پاک کنم. تا ساعت یک ظهر مشغول پاک کردن آن ها بودم.



ایستگاه
پنجم

مغازه پوشاک آقای عبدالرحمن افشار در قدیم، خرازی بود. همیشه با مادرم برای خرید به اینجا می آمدم. باید قبل از خرید، دفتر یا خودکار قدیمی را به آقای عبدالرحمن می دادم تا بتوانم نو آن را بخرم. این رسم خرید از مغازه آقای عبدالرحمن بود.



ایستگاه
ششم

قبلا اینجا جوی آبی بود که زمین های کشاورزی را با آن آبیاری می کردند؛ ولی چند سالی است که روی آن را پوشانده اند. یک بار پدرم پول داد تا ساندویچ بخرم. به مغازه که رسیدم باران شروع شد. تا ساندویچ آماده شود، کف خیابان پر از آب شد. در راه برگشت یک دفعه زیر پایم خالی شد و دیدم داخل جوی آب هستم و ساندویچ هم خیس شد.

آن زمان هر کوچه یک تیم فوتبال داشت. بعد امتحانات خرداد هم رقابت بین تیم ها شروع می شد. انتهای کوچه راهنمایی ۱۰ ترسیده به خیابان شیرین، مغازه بقالی آقای حسین کهن سال قرار داشت. همیشه تیم بازنده از حسین آقا کیک و نوشابه می خرید اما تیم خیابان راهنمایی ۱۲ یعنی تیم ما همیشه برنده بود.



عکس: میترا صدرا / شهرآرا



یادی از سیدعلی بامشکی، پیشکسوت کشتی خراسان رضوی که پیش از این در شهرآرامحله با او گفت وگو کردیم

پهلوانان نمی میرند



یاد آشنا

هیئت کشتی خراسان رضوی بود. ریاست بامشکی بر هیئت استان در زمان ریاست رسول خادم بر فراسیون کشتی بود.

● ○ انجمن پیشکسوتان، یادگار بامشکی

سید حسن بامشکی، برادر بزرگترین پیشکسوت کشتی، می گوید: الگوی برادرم در ورزش و زندگی مرحوم غلامرضا تختی بود و مرام مردانگی و پهلوانی را از او آموخت. آواز نظرات اخلاقی و مرام پهلوانی زبانزد بود. خود من درس های زیادی از برادرم آموختم. اخلاق خوشی داشت و جلو بزرگ و کوچک بلند می شد و به همه احترام می گذاشت.



میترا صدرا مرحوم سیدعلی بامشکی عصر دوشنبه، سوم دی ماه در هشتاد و سه سالگی دار فانی را وداع گفت: پهلوانی که اتفاقاً همین اردیبهشت امسال برای او مراسم بزرگداشتی برگزار شد. این پیشکسوت متولد آبان ۱۳۲۳ در محله عیدگاه مشهد و هم دوره پیشکسوتانی همچون حبیب غفاری، عسکر ناجی، محمود قشنگ، حسن راستگو، چنگیز عامل، خدا بخش عفت دار، حسین مهرافروزیان و علیرضا رستمی بود. او سابقه زیادی در کشتی خراسان داشت و پس از بازنشستگی از ورزش حرفه ای باز هم تمامی توانست خودش را وقف کشتی کرد.

شهرآرامحله در هشتمین روز خرداد سال ۱۴۰۰ گفت وگو مفصلی با این پهلوان و قهرمان منتشر کرد. در مطلب پیش رو، از این پیشکسوت ورزشی یاد کرده ایم.

● ○ خادم کشتی استان

مرحوم سیدعلی بامشکی وقتی پانزده سال داشت، برای اولین بار به روی تشک کشتی رفت. برادر بزرگش، سید حسن، چند سالی جلوتر از او کشتی را شروع و سیدعلی را هم تشویق کرده بود تا سراغ این رشته برود. مرحوم بامشکی در سال های ۱۳۴۳ تا ۱۳۴۸ چهار بار در مسابقات آموزشگاه های خراسان در وزن ۶۲ کیلوگرم نفاول شد.

علاوه بر این او دوره مدیریت پرباری را در عرصه کشتی استان پشت سر گذاشت. سیدعلی سال های ۱۳۶۷ تا ۱۳۷۰ به عنوان دبیر هیئت کشتی استان فعالیت کرد و بین سال های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ رئیس

به گفته سید حسن، برادرش در کل دوران زندگی خود، کنار کشتی گیران استان بود. در سال های اخیر با تأسیس انجمن پیشکسوتان کشتی استان خراسان رضوی تلاش کرد و ورزشکاران قدیمی از حال هم با خبر بمانند و ماهی یک بار دلشان با دیدار یکدیگر تازه شود.

● ○ دست خیر پهلوان

تازه پس از فوتش، خانواده مرحوم متوجه بسیاری از کارهای خیر او شدند. آقا سید حسن می گوید: در این مدت و با حضور مهمانان مختلفی که برای مراسم خاک سپاری و تعزیه مرحوم آمده بودند، متوجه بخشش و کارهای نیکوکارانه او شدیم. در امور مختلف با خیریه ها همکاری داشته و هر زمان که شرایط مهیا بوده بادل و جان به آن ها کمک می کرده است. در مراسم ختم برادرم علاوه بر دوستان این کشتی گیر، نمایندگان مجلس، شخصیت های ورزشی کشوری و مسئولان شهری مشهد حضور داشتند. همچنین از هیئت های کشتی شهرستان های مختلف، پیام همدردی دریافت کردیم و این خود نشان از محبوبیت و علاقه او بین مردم دارد.

در پایان آقا سید حسن خاطراتی از برادرش را مرور می کند و می گوید: هیچ وقت فراموش نمی کنم که چطور با تلاش و پشتکار، تیم کشتی برق خراسان رضوی را شکل داد و توانست با این تیم در دوره های مختلف لیگ کشوری مقام کسب کند. خاطرات آن روزها همیشه برایم زنده است.

قدیمی محله شهرک نوید از خاطره دوشی شدن حمام خزینه دار محله می گوید

قهر کردن اهالی با حمام



صندوق
خاطرات

این مکان جدید می روند. محمد آقای هماور می گوید: کاشی های رنگی ساخته شده بود و لامپ های برقی زیادی داشت، به حدی که چشم را می زد. دیگر خبری از آن حوض بزرگ وسط حمام که می توانستی در آن غوطه بخوری، نبود. چند اتاقک کوچک دورتادور حمام ساخته بودند که به آن «دوش» می گفتند. بعد از لیف زدن و کیسه کشی، هنگام خروج، زیر دوش می رفتی و از حمام بیرون می آمدی.

هر چند این مدل حمام، لذت حمام خزینه ای را نداشت، محمد جذب زیبایی اش شده بود. اما نکته این بود که غیر از او پدرش هیچ کس در حمام نبود. پدرش که کنجکاو شده بود، از صاحب آنجا پرسید «چرا مثل همیشه سرت شلوغ نیست؟ شاید به خاطر اینکه حمام جدید ساخته شده، هنوز اهالی اطلاع ندارند.»

محمد آقا ادامه ماجرا را این طور تعریف می کند: با این حرف پدرم، سر درد دل حمامی باز شد و گفت «نه داداش! نمی دانم کدام از خدایی خبری گفته حمام کردن در حمام جدید (دوشی) آدم را پاک نمی کند، بلکه نجس تر هم می شود! الان چند هفته است که مشتری برای من نمی آید. بعد از این همه، خرج کردن باید از جیب بخورم.» پدرم بعد از شنیدن حرف های صاحب حمام گفت «باید هر طور شده پای چند نفر را به حمامت باز کنی تا طلسمش بشکند.»

محمد و پدرش چند هفته بعد که دوباره به همان حمام می روند، مشتری های زیادی می بینند؛ محمد آقا تعریف می کند: حمامی به پدرم گفت «از یک روحانی خواستم که به حمام بیاید و از فواید و تمیزی حمام دوشی تعریف کند تا مردم تشویق بشوند و با این نقشه، اهالی جذب حمام شدند.»

شد و گفت «چند روز قبل، از اداره بهداشت به حمام ما آمدند و گفتند اینجا خیلی کثیف و قدیمی است. دیوارهایش نم کشیده؛ باید خرابش کنید و حمامی جدید که دوش دار باشد، بسازید.» بعد از این ماجرا حمام قدیمی تعطیل شد. ما هم برای چند ماه به حمام دیگر محلات می رفتیم.

● ○ ساخت حمام جدید

بعد از تعطیلی چندین ماهه، پدر محمد، خبر خوشحال کننده ساخته شدن حمام جدید را به او می دهد و آن ها به دیدن



حسین برادران فرا به خاطر سن و سال زیادی که دارد، گوش هایش کمی سنگین است. نود، شاید هم نود و پنج ساله باشد؛ به درستی نمی داند. او و افراد معدودی که هم سن و سال او هستند، شاهد ورود برخی از امکانات زندگی مدرن برای اولین بار به شهر و محله شان بوده اند. خاطره جالبی که برایمان تعریف می کند، درباره یکی از همین امکانات زندگی مدرن است.

● ○ تعطیلی حمام قدیمی

به دنیا آمده محله نوغان است. تنها خاطره ای که از این محله به یاد دارد، حمام قدیمی آن است که چند متر پایین تر از سطح زمین قرار داشت و به تعبیر خودش بیشتر به سیاه چال می ماند تا حمام. با وجود این، محمد نوجوان، بازی در حوض بزرگ وسط حمام را خیلی دوست داشت و اگر کسی مزاحمش نمی شد، یک صبح تا شب را همان جا مشغول بازی می شد.

محمد هم او را می گوید: یک روز که همراه پدرم به حمام رفته بودیم، صاحب آن که با پدرم دوست بود، گرم صحبت

زرکش، مشهدقلی، نوده، حجت، نوید، فدک، کوی امیرالمؤمنین^(ع)، هدایت، اینترگران، قدس، ابوطالب، هنرور، سمزقند، آیت...، عبادی، شهیدفرامرز عباسی، بهاران، خین عرب، اسماعیل آباد، کارخانه قند، عبدالمطلب، شفا، شهیدمطهری، عامل، حسین یاشی، کاشانی

محلات منطقه‌ها

۱ احمدآباد، راهنمایی، فلسطین، سجاد، آبکوه، ارشاد، صاحب‌الزمان^(ع)، سعدآباد، شهیدکلاهدوز، گوهرشاد، کوی دکتر



دبستان غیردولتی دخترانه آتیه (نوبت اول و دوم) در ورودی کوچه قرار دارد. این دبستان که سال ۱۳۹۴ تأسیس شده، بخشی از کمبود فضای آموزشی دختران محله را جبران کرده است.

مسجد امام حسن مجتبی^(ع) با همت و همکاری هیئت متوسلان به ائمه^(ع) از چهار سال قبل افتتاح شده است و با وجود فعال بودن، هنوز به صورت کامل تکمیل نشده است و به کمک‌های مردمی بیشتری نیاز دارد.



حاصل ۱۵ سال آبادانی

حسین برادران فرا کوچه شهید طاهری ۸ واقع در شهرک حجت (شهید درودی ۷) کوچه‌ای بن‌بست است و به گفته قدیمی‌ها سابقه سکونت در آن به پانزده سال قبل بازمی‌گردد. تا قبل از آن، بیشتر زمین‌های شهرک حجت^(ع) باغ و زمین کشاورزی بود و با پیوستن این محله به منطقه شهری، روند مسکونی شدن این کوچه نیز سرعت گرفت. بیشتر ساکنان اینجا، سابقه ۱۰ تا ۱۲ سال سکونت در این محله را دارند.

۲

کوچه شهید طاهری ۸
محله شهرک حجت (عج)



رجب علی نعمتی متولد سال ۱۳۳۹ قدیمی‌ترین ساکن این کوچه است. او با اشاره به وجود باغ‌های متعدد در این محدوده، می‌گوید: تا همین چند سال قبل شغال‌ها و روباه‌ها تا پشت در خانه مامی آمدند.

در ورودی سمت چپ این خیابان، یک قطعه زمین ۳ هزار متری وجود دارد که تنها زمین افتاده در این کوچه است. جولان معنادان و اراذل در آن سبب ناامنی و نگرانی اهالی شده است.



پایگاه سلامت شهری عامل نجاتی، پنج سال قبل افتتاح شده است. پزشک‌های این مرکز رسیدگی و ویزیت بیماران عمومی را انجام می‌دهند. غربالگری سلامت افراد مسن و زنان باردار از جمله خدمات این مرکز سلامت است.